



شیرشاه سوری

(اجمال)

عثمان صدیقی

اسم فرید . اسم پدرش حسن خان . و جدش کا ابراهیم خان سوری است ، در عهد سلاطین اودی بغرض تجارت بهند شناقه . چون طبیعت ابراهیم خان مائل باداره و حکومت بود بلک نظام داخل شد و بعد از چندی رقی کرده حکمران یک ایالت مقرر گردید . و بعد ازو پسرش حسن خان جانشین شد . فرید نیز بعد از پدر خود حاکم گردید و چندی بعد بدربار سلطان محمد پادشاه همار تقرب جست .

فرید روزی در شکار رو رتوی سلطان موصوف شیری را بشیر کشت . و خطاب شیر خانی حاصل کرد . کار شیر خان ^{راحیم} ^{کاخ علوم اسلامی و مطالعات فرمی} موصوف پس بالا گرفت . تا اینکه مشاور سلطنتی سلطان محمد گردید . و بعد از قیام موصوف پسر خوردنش جلال خان پادشاه شد . شیر خان نائب السلطنه او گردید . این وزیری را بخوبی انجام داده افتخار کافی پیدا کرد . این بود که بعد از چندی سلطان مطلق العنان شد .

درین اثنا قلعه چنار بدست يك حکمران دیگر بود. شیرخان بر اهمیت این قلعه واقف بود
نهادا عنم تسخیر آن کرده بر ایالت بهار قابض گردید.

در خلال این وقایع با بر پادشاه که قسمت جنوب شرقی افغانستان را بدست داشته و تا
حدود پنجاب پیشقدمی کرده سلطنتی تاسیس نموده بود وفات یافت و پسرش همایون پادشاه
شد. شیرخان جهت تقویت همایون خیلی معاونت نمود؛ اما همایون از غیرت و در این
 Shir خان دراندیشه بود که مبادا روزی رفیب بزرگ او بشود. و با وجود یکه شیرخان
 درین وقت نمی توانست با او مقابله بکند همایون میترسید. این بود که همایون قلعه
 چنار را تسخیر کرده و کار را بر او سخت ساخت. آنوقت شیرخان بتلاش جای مستحکمی
 افتاد. تا اخیراً قلعه رهتاں را بدست آورد.

درین هنگام باران های موسمی آغاز یافت و همایون تواند دیگر شیرخان
 را تعقیب کند شیرخان هم در آن ارک جنگ بود. تا اینکه در مقام (جوسا) ساحل رود
 گشک ین شیرخان و همایون جنگ دوم واقع گردید. همایون شکست خوردو خود را بطرف
(lahor) کشید. شیرخان بدون قوت فرست او را تا (lahor) تعقیب کرد. همایون بعد از دو نیم سال
 سرگردانی از سند خارج شده از گامه هرات طبقاً صفوی التجا برد.

شیرخان بعد ازین جنگ قلعه را بدست آورد. شیرشاه بزرگ عنوان
 یافت علاوه بران با از شهرها و منطقه ها رافع و ضمیمه ملک خود ساخت. الحاق این
 قسمت ها اور آمدند عنوان امپراطوری گردانید و میخواست (کانجررا) که از مستحکم ترین
 قلعه های هند و بر سر کوهی واقع بود بدست آرد اما قبل از فتح آن قلعه جبهه خانه آتش
 گرفته دسته از امرایش سوخته، و خودش سخت زخمی حریق گردید. گاه از هوش

می رفت، همینکه بہوش می آمد افراد خود را بفتح قلعه تشویق میداد تا اینکه قلعه فتح و احوال شیرشاه عرض شد. شاه روپسوی آسمان کرد و شکر خداوند بجا آورد، چشم از جهان بست

۹۵۲ هجری.

شیرشاه در دوره پنحالة حکمرانی خود با کارهای مهم انجام داده، مالیات مملکت را اصلاح و قانونی جهت مامورین دولتی ترتیب کرد. چندین شهر مثل شیرگره و شیرکوت و فریدپور و غیره آباد کرده است. سرکین بنگال و پنجاب را او ساخت و هر دو طرف آن در خانه میوه دار غرس نمود و بعد از هر دو کرو مسجد، مسافرخانه، کاروا نسرای و پوسته خانه تاسیس کرد.

این سرک تا امروز باقی است، و همچنان امورات پوسته خانه را بقدرتی منظم ساخته بود که احوال بنگال در سه روز به پنجاب میرسید. در اجرای قانون دولت لحاظ هیچکس حتی پسر خود را هم نمیکرد.

خلاصه عهد سلطنت شیرشاه افغان از صفحات طلائی تاریخ هند است.
شیرشاه را در سارام دفن کردند. مقبره شیرشاه از عمارت های معروف و از جاذب عظمت و اهمیت پهلوی تاج محل معروف است.

